

( وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ) قَدْ أَحْيَا عَقْلَهُ، وَ أَمَاتَ نَفْسَهُ، حَتَّى دَقَّ جَلِيلُهُ، وَ لَطَفَ غَلِيظُهُ، وَ بَرَقَ لَهُ لَامِعٌ كَثِيرُ الْبَرَقِ، فَأَبَانَ لَهُ الطَّرِيقَ، وَ سَلَكَ بِهِ السَّبِيلَ، وَ تَدَافَعَتْهُ الْأَبْوَابُ إِلَى بَابِ السَّلَامَةِ، وَ دَارِ الْإِقَامَةِ، وَ ثَبَّتَتْ رِجْلَاهُ بِطُمَأْنِينَةٍ بَدَنِهِ فِي قَرَارِ الْأَمْنِ وَ الرَّاحَةِ، بِمَا اسْتَعْمَلَ قَلْبُهُ وَ أَرْضَى رَبَّهُ.

#### در وصف سالکان

پوینده راه خدا

عقلش را زنده، و نفس خویش را کشته است، تا آنکه جسمش لاغر، و خشونت اخلاقی به نرمی گرایید، برقی پرنور برای او درخشید، و راه را برای او درخشید، و راه را برای او روشن کرد، و در راه راست او را کشاند، و از دری به در دیگر برد تا به در سلامت، و سرای جاودانه رساند، که دو پای او در قرارگاه امن با آرامش تن، استوار شد، پاداش آن بود که دل را درست بکار گرفت، و پروردگار خویش را راضی کرد.